



## درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونه السنه تاریخ: ۵ بهمن ۱۳۹۴

موضوع جزئی: مقام چهارم: استثناء مؤونه - جهة اولی: استثناء مؤونه تحصیل مصادف با: ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۳۷

جلسه: ۵۵

سال ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### مقام چهارم: استثناء مؤونه

در امر خامس از اموری که به عنوان متعلق خمس و ما يجب فيه الخمس ذکر شده عرض کردیم در چهار مقام بحث می‌کنیم؛ مقام اول پیرامون اصل وجوب خمس فی مازاد عن مؤونه السنه بود. در مقام دوم پیرامون موضوع خمس در این مورد بحث کردیم. مقام سوم بحث از مواردی بود که محل اختلاف واقع شده است که آیا اینها متعلق خمس هستند یا نیستند؟ اما مقام چهارم درباره استثناء مؤونه است یعنی در خصوص ارباح یا مطلق فائده (بنابر اختلافی که در موضوع خمس در این مقام هست)، خمس بعد از کسر مؤونه سنه واجب می‌شود. ما این را در سایر موارد نداشتیم. در سایر موارد بحث استثناء مؤونه سنه مطرح نبود؛ نه در غنائم و نه در غوص و نه در کنز و نه در معدن. اما اینجا این مسئله مطرح شده؛ اصلاً عنوان امر خامس هم «ما یفضل عن مؤونه السنه» قرار داده شده است. باید دید به چه دلیل مؤونه سنه استثناء شده و اساساً استثناء مؤونه سنه در چه محدوده و چه موضوعاتی ثابت است؟

پس مقام چهارم عمدتاً پیرامون استثناء مؤونه سنه است. لکن از آنجا که به طور کلی در همه مواردی که متعلق خمس است، (چه در امور اربعه گذشته و چه در این امر) مؤونه تحصیل هم استثناء شده، بنابراین لازم است اینجا هم از استثناء مؤونه تحصیل بحث کنیم و هم از استثناء مؤونه سنه لذا ما عنوان مقام چهارم را استثناء المؤونه قرار دادیم.

به حسب مقتضای ادله چه آیه و چه روایات، خمس در هر غنیمت و فائده‌ای ثابت است لکن یک چیز از همه موارد استثناء شده و آن هم هزینه‌ها و مخارجی است که برای تحصیل و بدست آوردن مال صورت می‌گیرد. یک بخش هم هزینه‌ها و مؤونه معیشت و مخارجی است که برای خود و عیالش می‌کند که این مورد فقط در امر خامس مطرح است. علی ای حال بحث در مقام رابع در دو جهت پیگیری می‌شود. جهت اولی استثناء مؤونه تحصیل است و جهت ثانیه استثناء مؤونه سنه است.

### جهة اولی: استثناء مؤونه تحصیل

ما سابقاً به مناسبت‌هایی در لابلای مباحث گذشته به این مطلب اشاره کردیم، مثلاً اگر خاطرتان باشد در بحث غنائم جنگی این مسئله مطرح شد که اگر تحصیل غنائم جنگی و انتقالش از میدان جنگ تا جایی که بین مقاتلین تقسیم شود، متوقف هزینه و مؤونه باشد، این هزینه‌ها کسر می‌شود، در باب معدن هم این را داشتیم ولی اینکه یک بحث کامل و مستقل درباره استثناء مؤونه تحصیل مطرح شود، قبلاً نداشتیم لذا الان این بحث را کلاً به عنوان استثناء مؤونه تحصیل در همه موارد که خمس در آن واجب است، مطرح می‌کنیم.

## ادله استثناء

این مسئله تقریباً از قطعیات دانسته شده یعنی همه این را مسلم دانسته‌اند که خمس زمانی واجب می‌شود که هزینه‌های صرف شده برای تحصیل مال کسر شود اما با اینکه از قطعیات دانسته شده، چند دلیل هم بر این امر اقامه شده که این ادله را ذکر می‌کنیم و بعد بحث از جهت ثانیه را دنبال می‌کنیم.

### دلیل اول: صدق عنوان فائده در صوت استثناء

دلیل اول بر استثناء مؤونه تحصیل این است که به طور کلی موضوع خمس در همه موارد عبارت است از فائده و غنیمت. این از آیه غنیمت بدست می‌آید و از روایات هم قابل استفاده است «واعلموا ان ماغنمتم فان الله خمسه»، ما غنمتم ای مااستفدتم؛ صدق عنوان غنیمت در صورتی است که مؤونه تحصیل کسر شود و الا تا زمانی که این هزینه‌ها کسر نشود از نظر لغت و عرف به چیزی که حاصل شده عنوان فائده و غنیمت منطبق نمی‌شود، به عبارت دیگر خروج مؤونه از موضوع خمس تخصصی است.

مثلاً اگر کسی برای تحصیل کنز یا استخراج معدن یک هزینه‌ای کند لکن آنچه که استخراج شده از نظر قیمت مساوی باشد با هزینه‌هایی که او صرف استخراج کرده. از نظر عرف و لغت نمی‌گویند که این شخص فائده برده است. اگر کسی یک میلیون تومان خرج کرده تا چیزی را از معدن خارج کند، آن چیزی هم که خارج شده به اندازه یک میلیون می‌ارزد، اینجا از نظر عرف فائده‌ای نصیب او نشده است. این واضح است که اساساً عنوان فائده و غنیمت در جایی صدق می‌کند که هزینه‌هایی که برای تحصیل آن مال صورت گرفته کسر شود، اگر بعد از کسر هزینه‌های مصرف شده چیزی اضافه آمده بر آن عنوان فائده صدق می‌کند. پس مهم‌ترین دلیل بر استثناء مؤونه تحصیل این است که مؤونه تحصیل تا کسر نشود عنوان فائده منطبق نمی‌شود.

### دلیل دوم: روایات مطلقه

دلیل دوم روایات مطلقه است؛ منظور از روایات مطلقه یا روایات عامه، روایاتی است که به طور کلی وجوب خمس را بعد از مؤونه قرار داده ولی خصوص مؤونه تحصیل ذکر نشده است. به طور کلی این تعبیر آمده که «الخمس بعد المؤونه»؛ این عام و مطلق است. چند روایت در اینجا وجود دارد:

**روایت اول:** صحیح بزنطی: «كُنْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْخُمْسُ أُخْرِجُهُ قَبْلَ الْمُؤُونَةِ أَوْ بَعْدَ الْمُؤُونَةِ؟»؛ آیا من خمس را قبل از مؤونه باید بپردازم یا بعد از مؤونه؟ «فَكُتِبَ: بَعْدَ الْمُؤُونَةِ»<sup>۱</sup>.

این روایت تصریح کرده که خمس بعد از مؤونه ثابت است. تقریب استدلال به این روایات را عرض خواهیم کرد.

**روایت دوم:** صحیح علی بن مهزیار عن محمد بن الحسن الأشعری؛ البته در مورد این روایت بعضی از نظر سندی اشکال کرده‌اند. «قال: كتب بعض أصحابنا إلى أبي جعفر الثاني (عليه السلام): أخبرني عن الخمس، أعلى جميع ما يستفيد الرجل من قليل و كثير من جميع الضروب، و على الصناعات، و كيف ذلك؟ فكتب بخطه: الخُمسُ بعد المؤونه.»<sup>۲</sup>؛ بعضی از اصحاب ما به امام باقر (ع) نامه نوشت و عرض کرد درباره خمس به ما بفرمایید آیا بر همه آن چیزهایی که شخص به دست می‌آورد من

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱۳. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۸، باب ۱۲ از ابواب ما يجب فيه الخمس، ح ۱.

۲. تهذیب، ج ۴، ص ۱۲۳، ح ۳۵۲. استبصار، ج ۲، ص ۵۵، ح ۱۸۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۹۹، باب ۸ ابواب ما يجب فيه الخمس، ح ۱.

جميع الضروب چه کم و چه زياد خمس ثابت است؟ اين چگونه است؟ امام (ع) در پاسخ مرقوم فرمودند: «الخمس بعد المؤونة». ظاهرش اين است که در همه اينها خمس ثابت است ولي بعد از مؤونة.

در اين دو روايت کلام امام (ع) «الخمس بعد المؤونة» مطلق است يعنى به طور کلى خمس را بعد از مؤونة واجب کرده و اين دلالت بر استثناء مؤونة تحصيل نيز دارد چون لفظ مؤونة هر دو نوع را شامل مى شود، چه مؤونة تحصيل و چه مؤونة سنه؛ بنابراین بعد المؤونة که در کلام امام آمده، بإطلاقه شامل مؤونة تحصيل هم مى شود. پس خمس بعد از مؤونة تحصيل ثابت مى شود.

### اشکال

البته يك اشکالی به استدلال به اين دو روايت شده؛ اشکال اين است که اينجا اطلاقى در کار نيست؛ اصلاً کلمه مؤونة يك عنوانى است که صرفاً اشتراک ظاهرى بين مؤونة سنه و مؤونة تحصيل دارد. حقيقت مؤونة سنه از حقيقت مؤونة تحصيل کاملاً متفاوت است. ما نمى توانيم بگويم مؤونة اطلاق دارد و هر دو مؤونة را شامل مى شود چون اگر اينها دو مصداق از يك حقيقت بودند مى توانستيم بگويم «المؤونة» اطلاق دارد و شامل هر دو نوع مؤونة مى شود. لکن اينها کاملاً دو حقيقت متفاوت اند. تنها اشتراکشان اين تشابه ظاهرى است که به اين مى گویند مؤونة و به آن هم مى گویند مؤونة. بنابراین اصلاً اين روايات مطلق نيست تا بخواهد مؤونة تحصيل را دربر بگيرد.

### پاسخ

اين اشکال به نظر ما وارد نيست برای اينکه حقيقت مؤونة يك چيز بيشتريست. مؤونة يعنى هزینهها؛ حال اين هزینهها تارةً اضافه مى شود به تحصيل و اخري اضافه مى شود به عيال و اهل. اينکه گفته شود ما معنای مؤونة را پس از اضافه به يك مضاف اليه مى توانيم بدست بياوريم و فرق بين مؤونة تحصيل و مؤونة سنه با توجه به مضاف اليه اينها معلوم مى شود، اين حرف نمى تواند موجب اختلاف در حقيقت مؤونة تحصيل و مؤونة سنه باشد. هر دو مؤونة است و هر دو هم هزینه است منتهى يکي هزینه تحصيل مال است و يکي هزینه زندگى و معيشت و اهل و عيال است. اتفاقاً همين که اين مؤونة اضافه مى شود به تحصيل يا سنه و ما با اين اضافه مى توانيم فرق اينها را بفهميم، اين خودش دليل بر اين است که حقيقت مؤونة يك چيز بيشتريست.

برای اينکه اين مسئله روشن شود، کلمه وجود را در نظر بگيريد؛ وجود هم به واجب اضافه مى شود و هم به ممکن. ما مى گويم وجود الواجب و وجود الممكن در حالى که بين اين دو نهايت بُعد است و چه بسا اساساً ما نتوانيم اينها را با هم مقايسه کنيم اما در عين حال با اينکه حقيقت وجود هم به واجب اسناد داده مى شود و هم به ممکن، اين موجب اختلاف در حقيقت وجود نمى شود. ما نحن فيه هم نظير وجود است؛ مى گويم حقيقت مؤونة يك چيز است. مؤونة اگر به تحصيل اضافه شود قطعاً معنایش متفاوت است با مؤونة سنه ولي اصل مؤونة در هر دو يك حقيقت بيشتريست. وجهى ندارد که ما بگويم حقيقت مؤونة اذا أضيفت الى التحصيل، با حقيقت مؤونة اذا أضيفت الى الأهل و العيال متفاوت مى شود. بنابراین جای اين اشکال نيست که اينجا مؤونة اطلاق ندارد و نمى توانيم به اطلاقش اخذ کنيم و نتيجه بگيريم استثناء مؤونة تحصيل را. لذا اين اشکال به نظر ما وارد نيست.

**روایت سوم:** روایت از علی بن مهزیار عن ابن شجاع نیشابوری (نیشابوری) است. [قسمتی از روایت را می‌خوانم.] یک کسی از امام سؤال می‌کند که من زمینی داشتم و روی آن کار کردم و صد کُر حنطه و گندم برداشت کردم بعد می‌گوید: «و ذهب منه بسبب عمارة الضیعة ثلاثون کُرّاً و بقى فى یده ستون کُرّاً؛ مالذی یجب لک من ذلک و هل یجب لإصحابه من ذلک علیه شیء؟ فوق (ع): لی منه الخمس مما یفضل عن مؤنّته»؛ بعد می‌گوید از این صد کُر، سی کُر برای آبادانی زمین و حفظ هزینه شده است «و بقى فى یده ستون کُرّاً» و شصت کُر برایش مانده است یعنی در حقیقت می‌خواهد بگوید این زراعتی که بدست آمده سی کُر آن هزینه کاشت و داشت و برداشت بوده و شصت کُر هم برایش مانده است. (البته ده کُر هم به عنوان زکات داده است). حالا در مجموع سی کُر رفته و شصت کُر برایش مانده. سؤال می‌کند که چه مقدار از این سهم شما است؟ امام (ع) در پاسخ فرمودند: «لی منه الخمس مما یفضل عن مؤنّته»؛ یک پنجم از آن چیزی که از مؤنّته اش اضافه آمده است؛ یعنی یک پنجم از شصت کُر.

ظاهر سؤال در واقع این است که راوی دارد سوال می‌کند از مؤنّته تحصیل چون می‌گوید این شصت کُر را هزینه کرده و سی کُر برایش مانده است؛ در سؤال سخن از مؤنّته تحصیل است که بالاخره آیا خمس به مجموع اینها تعلق می‌گیرد یا به آن شصت کُر باقیمانده بعد از کسر مؤنّته پس ظاهر سؤال مربوط به مؤنّته تحصیل است اما امام (ع) جوابشان مطلق است. می‌فرماید خمس در مازاد بر مؤنّته ثابت است. این مؤنّته هم مؤنّته سنّه را در بر می‌گیرد و هم مؤنّته تحصیل را پس این روایت هم بإطلاقه شامل مؤنّته تحصیل می‌شود. یعنی این هزینه‌هایی که برای تحصیل مال کرده باید کسر شود و بعد خمس واجب می‌شود.

پس این سه روایت بإطلاقها یا عمومها شامل مؤنّته تحصیل می‌شوند. و بنابراین می‌توانیم به استناد این روایات، مؤنّته تحصیل را مستثنی بدانیم. البته در این روایت اخیر از نظر سندی بعضی اشکال کرده‌اند اما بر فرض این روایت هم اشکال باشد، در بین این سه روایت، روایت صحیح‌های که قابل استناد باشد، وجود دارد.

#### **دلیل سوم: روایات خاصه**

دلیل سوم روایات خاصه است؛ منظور از روایات خاصه روایاتی است که دلالت بر استثناء مؤنّته تحصیل بخصوصها می‌کند. اینها دیگر مثل قبل نیست که مطلق مؤنّته را استثناء کند و ما مؤنّته تحصیل را هم به عنوان اینکه یک نوع از انواع مؤنّته است مشمول روایات بدانیم. اینجا بخصوص روایت ناظر به مؤنّته تحصیل است و دارد آن را استثناء می‌کند. اینجا هم سه روایت وجود دارد لکن بعضی از این روایات به طور کلی مؤنّته تحصیل را استثناء کرده در همه موارد، در همه ارباح و بعض به طور خاص مثلاً در معدن استثناء کرده ولی ما از راه الغاء خصوصیت می‌توانیم آن را تسرّی دهیم به همه موارد. پس در این روایات به خصوصه بحث از استثناء مؤنّته تحصیل است.

«الحمد لله رب العالمین»